



## گزارشی از چند نمایش این شب‌های تهران

# تأثر در مدار تولید بیش از مصرف و حاشیه‌های پررنگ

محمد حسن خدایی

مردادماه به پایان خود نزدیک می‌شود و تئاتر تهران همچنان گرفتار حاشیه‌های ریز و درشت از اتفاقاتی که این روزها برای اجرای مجدد نمایش «یک تپلک» افتاده و مسئله حقوق مادی آثار هنری را بار دیگر گوشزد کرده تا دومین شب از سلسله نشست‌های تخصصی حقوق تئاتر که به‌هم‌میزی وسانسور اختصاص داشته و با حضور محمود سالاری،

اجرامی پر از ایم که این شب‌ها پذیرای مخاطبان پیگیر تئاتر بوده‌اند. اجراهایی از هنرمندان جوان.

**نمایش اول - نویسنده مرده است**  
بعد از اتفاقاتی که برای آرش عباسی در مقام فیلمنامه‌نویس سریال پایتخت افتاد، گویا این هنرمند تریج داد به ایتالیا مهاجرت کند. در غیاب آرش عباسی که این متن را قبل از این کارگردانی کرده بود،



معاون فرهنگی وزیر ارشاد، با تنش‌ها و گفتگوهای صریح و بی‌پرده در رابطه با نسبت هنرمندان تئاتر با نهادهای نظارتی و ارزشیایی همراه شده است؛ نشان می‌دهد که نمی‌توان از حاشیه‌ها چشم پوشید. به نظر می‌آید با توزیع نامناسب منابع کمیاب قدرت، منزلت و ثروت در میان اهالی تئاتر، بیش از پیش با حاشیه‌های گریزناپذیری روبرو خواهیم شد که حاشیه‌رایه‌متن تبدیل کرده و تولید آثار نمایشی را دچار بحران فزاینده خواهد کرد. برگزاری دومین نشست از سلسله مسائل میزبانی تئاتر، تأکیدی است دوباره بر حق مطالبه محوری صنوف مختلف تئاتر. اینکه در یک نهاد مدنی چون خانه تئاتر به گفتگو با مدیران فرهنگی پرداخته و بر حقوق هنرمندان در تولید آثار هنری تأکید شود. آن هم با از جاع به قانون اساسی کشور در تضمین و بسط آزادی‌های فردی و اجتماعی. این هفته و با توجه به ترافیک اجراها در سالن‌های دولتی و خصوصی، به چهار

فروستی همچنان باز تولید می‌شود، بدون نوعی از فریب و بازی کردن، نمی‌توان این رابطه را برهم زد و تمنای برابری داشت. به دیگر سخن، جهان نمایش، مبتنی بر اعتماد در زندگی واقعی و دروغ‌گویی در اجرای نقش‌هاست. چرا که رابطه یک کارگردان معروف با نویسندگانی ناشناس نمی‌تواند تنها مبتنی بر اعتماد باشد و برای فراتر رفتن از آن می‌بایست اندکی هم به دروغ و دغل پناه برد. بهنام شرفی در مقام بازیگر به خوبی توانسته ایفاگر نقش یک نویسنده گمنام، اما به لحاظ رفتاری پیچیده را بازی کند؛ اما نقش آفرینی یکتاناصر، کم‌فروغ و مکانیکی است. کافی است بازی معصومه رحمانی در نمایش آثار نینار را به یاد آوریم که در مقابل بهنام شرفی، با چاه‌مهرتی می‌درخشید.

### نمایش دوم - اسکرین شات

این چهارمین اجراست که اهالی تئاتر از فیلم Perfect Strangers بر صحنه آورده‌اند. نمایش اسکرین شات به

اجرا با زوج‌های جوانی که در سالن حاضر هستند اغلب با شنیدن پیچیده‌هایی همراه می‌شود در قبال وفاداری و احتمال خیانت. به لحاظ جامعه‌شناختی، تحلیل این قبیل اجرا نشان می‌دهد که چرا مورد استقبال مخاطبان قرار می‌گیرند. باز نمایان بحران اخلاقی مردمان طبقه متوسط تهران، نشان می‌دهد که اعتماد افراد نسبت به وفاداری دیگران، کاهش یافته و نوعی بی‌اعتمادی به لحاظ اجرایی نمایش اسکرین شات طراحی صحنه مناسبی ندارد و در فضای لازم برای مثال داخل اتاق با محوطه بالکن رانمی‌توان به خوبی از یکدیگر مجزا کرد. با تمام این مسائل، حضور بازیگران کمابیش بی‌تکلف است و در هماهنگی با یکدیگر، اما در نهایت این اجرا، آمازاد چندانی نسبت به اجراهای مشابه خود در این زمینه ندارد. «همان همیشگی» با فراز و فرودهای کمتر و باز نمایی نه‌چندان رادیکال از بحران اخلاقیات طبقات متوسط شهری.



نویسندگی سامان شمس و کارگردانی امیر عباسی، تقریباً همان الگویی را رعایت می‌کند که اجراهای قبلی از این فیلم اقتباس کرده بودند. یک دوره همی شبانه، بازی دسته‌جمعی در افشای همگانی تماس‌ها و پیامک‌ها و آشکار شدن رازهای پنهان زوج‌های گرفتار بحران اخلاقی مردمان طبقه متوسط. نمایش اسکرین شات با استقبال خوب مخاطبان در پردیس شهرزاد مواجه شده است. تماشای این

### نمایش سوم -

#### داری اونچای کار می‌کنی؟

آریوراعب کیانی بعد از تجربه متوسطی که از اجرای نمایش «چمدان» در تماشاخانه اهورا داشت، این بار به سراغ نمایشنامه‌ای از «شسل سیلور استانی» رفته که به‌رنگ رجبی آن را ترجمه و در نشر چشمه تحت عنوان «تمام نخ» چاپ کرده است. اجرا مبتنی بر شش اپیزود جدا اما در نهایت مرتبط با یکدیگر است.

مختلف، از خود خویشتن‌داری نشان داده و سیاست‌های اجرایی مناسب هر نمایش را بیابد.

**نمایش چهارم - در انتظار مکتب**  
امیرعلی ابراهیمی، پرکار است و نیم‌نگاهی به آثاری که بسر صحنه آورده، می‌تواند تأییدی باشد بر این پرکاری.



نمایش «در انتظار مکتب» که این شب‌ها در «توتیک تئاتر ایران» پردیس شهرزاد بر صحنه آمده است می‌تواند نمونه‌ای قابل مطالعه باشد در باب تولیدات تئاتری که از اساس غلط هستند و ملال‌افزا از همان ابتدای نمایش، کسی بر صحنه ظاهر شده و اعلام می‌کند که قرار نیست یک نمایش متعارف خلق شود و تلاش گروه اجرایی فراتر رفتن از قرار داده‌ها و کلیشه‌هاست.



البته سالن نمایش مذکور نیز در باره رویداد رخ داده بیانیهای صادر می‌کند. در این بیانیه آمده است: «اجرای هر نمایش در یک مجموعه فرهنگی در هر نقطه از کشور، نیازمند اخذ مجوز از نهادهای ذی‌ربط است؛ به طوری که بدون دریافت مجوز از نخستین مرحله اجرای نمایش یعنی فروش اینترنتی بلیت تاروی صحنه رفتن آن، هیچ کدام امکان پذیر نیست. درباره نمایش «آنتراکت» هم اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی مجوزی برای اجرای آن در تاریخ ۱۴۰۲/۲۲/۲۲ تا ۱۴۰۲/۳۳/۲۲ صادر کرده که اعتبار مجوز با امضای رئیس گروه هنری از ۱۳ تیرماه لغایت ۲ مردادماه ۱۴۰۲ (برابر با ششم ماه محرم) است. بدیهی است تا پایان تاریخ مجوز یک‌اجرای عمل به‌بندهای این مجوز نیاز به هماهنگی با هیچ نهاد گروهی نیست حتی در بند یادهم‌این مجوز آمده است که نمایش در ایام شهادت و مناسبت‌ها روی صحنه نرود، حال آنکه تقویم ایام و مناسبت‌های مذهبی ابتدای سال به تمامی سالن‌های مشهد ابلاغ شده و هیچ کدام شامل ۲۷ تیرماه نمی‌شده است.»

این خطوط نشان می‌دهد برخلاف گفته‌مدیر کل ارشاد خراسان رضوی، هیچ خطایی در اعطای مجوز بر مبنای تقویم رخ نداده است. در ادامه آمده است «درباره نمایش «آنتراکت» از ظهر روز سه‌شنبه ۲۷ تیرماه طی تماسی از سوی شخص امضاکننده مجوز، بنابراین شد با تعامل بین گروه، پردیس تئاتر مستقل و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، این شب آخرین شب اجرای گروه باشد و علی‌رغم داشتن مجوز تا ۲۵ روز پس از این، به احترام ایام عزاداری امام حسین (ع) ادامه اجرا لغو شود که این مسأله با همراهی گروه اجرایی و مدیریت پردیس تئاتر مستقل تصویب شد.»

بیانیه می‌گوید حتی در این آخرین اجرا تا آخرین لحظات نظارت بر نمایش با حضور نماینده حراست حاکم بوده است و حتی در اجرا تغییراتی وارد کرده است. اما «لحظاتی پیش از شروع اجرا، صدای گوش‌خراش موتورسیکلت‌ها بلوار شهید صامی را پر کرده، موتورسوارانی که بدون هیچ‌آزم‌علام شناسایی، خواستار لغو اجرا و ورود به سالن نمایش بودند» و این حمله مدیر پردیس را مجاب می‌کند که اجار الفو کند. بخش جالب توجه بیانیه و آتش به‌پست‌مدیر کل ارشاد است که می‌گوید «روز پس از این، در حالی که پردیس تئاتر مستقل به واسطه مسئولیت در قبال گروه اجرایی، اداره کل ارشاد پیگیر از سال‌نامه‌ای مبنی بر ابطال مجوز رسمی نمایش «آنتراکت» بود، به جای دریافت چنین نامه‌ای، با بیانیه عجیب آن‌ها و سپس مباحثه رئیس گروه هنری مواجه شد.»

مدعی شد قصد دارد دل‌آثار غیر تهرانی، بخشی از برنامه سال تئاتر شهر تأمین‌کننده‌ای که هیچ‌گاه محقق نشده گنجان می‌دهد کیفیت آثار حاضر در جشنواره نظر مدیر تئاتر شهر را مرتفع نکرده است. کافی است این مسأله را به موقوفیت چند اثر مشهد در تهران طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۸ جستجو کرد.

### خودسر ها یا انصار حزب الله؟!

با چنین مقدمه‌ای می‌توان حملات اخیر نیروهای تندرو به سالن‌های تئاتر را خوانشی دگرگون کرد، حملاتی که از ابتدای تابستان رخ داده است به نظر می‌رسد با کاهش تنش‌های اجتماعی ناشی از اتفاقات تابستان و پاییز پارسیال، سالن‌های تئاتر دوباره به سوی رونق فته باشند و تئاتر مشهد نیز از این امر مستثنی نبوده است. ۲۷ تیر سال جاری گروهی که در اخبار از آنها با صفت «خودسر» یاد می‌شود به سالن اجرای اثری موزیکال با عنوان «آنتراکت» حمله و ابعاد حالت پلیس مشهد از محل سالن متفرق می‌شوند. «ارمان پارسیان»، تهیه‌کننده و آهنگساز این اجرا تصریح بر اینکه اثرش با استقبال مخاطب روبه‌رو بوده است، گفت: «همه‌بلیت‌های مافروش فته بود و مجوز قانونی داشتیم. ۵۰ نفر هم اضافه پذیرفته بودند که در سالن باشند و به صورت اکسترال برنامه را ببینند. همه جوانب و اصول قانونی هم رعایت شده بود ولی این افراد هرگز در پی اعمال قانون نبودند و فقط تلاش به رب‌عبور و وحشت داشتند.» بعدها گمانه‌ها و گفته‌ها نشان می‌داد بپانه این حمله، مسأله حجاب و عوامل اصلی جنبه‌های متنازع‌مستول انصار حزب‌الله مشهد بوده است. هر چند رسانه‌های رسمی جنونال به موضوع ورود نکرده و همه چیز به حساب‌های توییتری محدود شد.

با این حال چند روز بعد، محمد حسین زاده، مدیر کل ارشاد خراسان رضوی در حساب اینستاگرامی خود اتفاقات مشهد را توجیه می‌کند و مدعی می‌شود هیچ‌کس به نمایش «آنتراکت» حمله نکرده است. او می‌گوید مشکل از جایی آغاز شده است که «نمایش آنتراکت با مجوز شورای نظارت بر نمایش، ۱۶ شب اجرا رفت که متأسفانه با اغفلت تیم کارشناسی اداره کل ارشاد چند شب پایانی مجوزشان با ایام عزاداری محرم تلاقی پیدا کرده بود و کارشناسان مربوطه به محتوای نمایش دقت نکرده بودند» و مدعی می‌شود: «پس از اینکه معاونت هنری ارشاد متوجه اشتباه خود شدند، موضوع به مدیریت سالن منتقل شد که در جهت حفظ حرمت مام‌محرم ادامه اجرا متوقف شد.»

## اوضاع فرهنگ و هنر مشهد در چه حالی است؟

# تئاتر مشهد زیر چرخ‌های هوندا ۱۲۵



در فضاهای فرهنگی جمع‌نگر ابخشی از هویت طبقاتی خود می‌داند، در این فقدان تئاتر جایگزینی جذاب به حساب می‌آید. به‌خصوص آنکه طی همین ۱۰ سال چند اثر موفق موزیکال نیز در مشهد تولید شده‌اند و قضا در برهه‌هایی بخشی از بازار تئاتر تهران را نیز تأمین کرده‌اند.

البته این موفقیت‌ها در فضای سهیل و آسانی شکل نگرفته است. در همین یک دهه گذشته بارها تئاتر مشهد شاهد شرایط سخت بوده است: از افزایش سانسور - حتی در دوران دولت حسن روحانی - تا دستکاری جشنواره تئاتر استان به‌دست شخصیت‌های نامرتبط به فضای فرهنگی شهر. با این حال در تمام این سال‌ها هنرمندان تئاتر مشهد در تلاش برای حفظ رونق تئاتر این شهر بوده و حتی مسیر حضورشان در تهران را نیز با قوت حفظ کرده‌اند. شرایط کرونا نیز توانست مانع از کسادی تئاتر مشهد شود، هر چند هنوز در برخی شهرهای پربرونق تئاتر طی یک دهه گذشته، هنوز رونق تئاتر به‌دوران پیش از کرونا بازنگشته است. شاید شاهد مثالی بر این مسأله بی‌رونقی جشنواره تئاتر فجر طی دو سال گذشته باشد که بخش مهمی از خوراک خود را از دل کارهای غیر تهرانی تأمین کرده است. سال گذشته دبیر وقت جشنواره فجر، کوروش زارعی

احسان صامی

طی یک دهه اخیر، شهر مشهد بار شد چشمگیری در حوزه تئاتر روبه‌رو بوده است. موفقیت‌های بی‌دری مشهد در جشنواره تئاتر فجر، با انبوهی از جوایز، به‌خصوص جوایزی در حوزه مسائل فنی، در کنار فروش نسبتاً خوب آثار در این شهر موجب شده بود مشهد به‌مثابه رقیبی موفق در برابر تئاتر تهران معرفی شود. این در حالی رخ می‌دهد که مشهد بر خلاف شیراز و اصفهان و تبریز فاقد دانشگاه هنر است و آموزش تئاتر معطوف به دانش اموزگانی است که به جای زیست در تهران، عازم شهر خود شده‌بودند. آنچه برای مثال کمتر برای شیراز رخ داده است و چهره‌های موفق تئاتری شیراز این روزها ساکن تهران هستند و نسبتی با تئاتر شیراز ندارند. برای مثال هم‌زمان با نوشتن این نوشتار آرش دادگر و سجاد افشاریان، دو هنرمند شیرازی نه‌در شیراز که در سالن‌های دولتی تهران اثری روی صحنه دارند.

رونق تئاتر در مشهد اما با نظر به ناآموده‌ای نیز همراه بوده است. برای مثال برخی آن را معطوف به ممنوعیت برگزاری کنسرت در مشهد می‌دانند. در حالی که بخشی از جامعه حضور

اما نکته اینجاست که برای فراتر رفتن از قرار داده‌ها و کلیشه‌ها، می‌باید اول از همه یک وضعیت تئاتری ساخت تا بتوان از آن عزیمت کرد و فراتر رفت. پس جای تعجب نیست که سیزده‌مازیگر این نمایش، در فضایی فشرده، کنار هم قرار گرفته و گزین گویه‌هایی به‌انتها در رباب هستی، انتظار، بشریت و اخلاقیات، بر زبان می‌آورند. آنان به‌همراه تماشاگرانی که اندک‌اندک دچار ملال می‌شوند، نمی‌دانند کجا هستند و چرا این کلمات را بر زبان می‌آورند. البته کارگردان این نمایش که فهمیده‌واضع جقدر می‌تواند فرنج‌باشند در بروشور کاغذی نمایش توضیح داده «مردی که حتی اسم خود را فراموش کرده، دچار فروپاشی روانی شده و معشوقه خود را در یازده شخصیت و دو سایه می‌بیند. لحظه جدایی خود را در قالب سبک‌مکالمه‌ای بین خود و تقسیم‌بندی ذهنیش از شخصیت معشوقه‌اش، تحت تصویری ذهنی از منتظر مکتب بودن و چرایی در انتظار «مکتب» بودن، تجربه می‌کند؛ زیرا که تمام آنچه که از زن به‌خاطر دارد، به‌صورت جملات پاره‌پاره است و دردی که از صدمات وی به‌جانش مانده، جملاتی که طی رابطه‌ها معشوقه‌اش شنیده و فراموش نکرده، همچنان در ذهن او زیست می‌کند.»

این متن ادبی، در اجرایی که مخاطبان تماشا می‌کنند از قضا، ساخته نمی‌شود و تعیین نمی‌یابد. یک تصور ذهنی مغشوش در ذهن کارگردانی که نمی‌داند چه می‌خواهد و چه می‌خواهد به نمایش گذارد، دوازده بازیگر زن جوان، به‌همراه یک بازیگر مرد که زور می‌زند تا جنون و دیوانگی را بازنمایی کند، همچون توده‌ای بی‌شکل و بی‌جهت، دور خود می‌گردند و برای مخاطبان که اغلب از دوستان و اعضای خانواده گروه اجرایی هستند، خطابه‌هایی فلسفی قرائت می‌کنند. در این فقدان فماسازی و تاریخ‌دایی از مکتب و بکت، گویی قرار است مکتبی بر ساحت‌ها تماشا کنیم که اصالتی با «در انتظار» گودوی بکت برقرار کرده است. نمایش «در انتظار مکتب» در مسیری اشتباه، اجراگران جوان و مشتاق خویش را به فضایی تپه‌وی معنا‌کشنده و در نهایت به این پرسش پاسخ نمی‌دهد که سیاست انتظار که بکت به شکل درخشانی در آثار خویش صورت‌بندی کرده، در اینجا بدل به چه چیزی شده است. نه مکتبی وجود دارد و نه بکت و گودویی. تنها توهمات نامنسجم کارگردانی سهیل‌انگار نمایان است که تمنای ناممکن ملاقات شکسپیر و بکت را وعده داده‌اما انان‌کام‌مانده و ملال خلق کرده.

## ادامه خودسری‌ها و بی‌مبلی وزارت ارشاد برای حل مسأله

اماتفاقات مشهد با وجود دخالت به‌موقع نیروی انتظامی و در دست بودن مجوزهای لازم به پایان نرسید. ۲۴ مرداد امسال نمایش «نژتیک، علمی درباره زیست‌شناسی یا کشتن گرگ سفید در بیابان» با وجود مجوز ارشاد با حمله «نیروهای خودسر» روبه‌رو می‌شود. البته این اتفاق نیز چندان در رسانه‌های سراسری کشور با واکنش روبه‌رو نمی‌شود. همه چیز به چند حساب توییتری و اینستاگرامی متعلق به تئاتری‌ها مشهد خلاصه می‌شود. نشان‌دهنده چندان از سوی وزارت ارشاد و متولیان امر میلی به حل مسأله وجود ندارد. بیشتر این هنرمندان مشهدی در حساب‌های خود اعلام کرده‌اند ارشاد مشهد به‌جای حل معضل لباس شخصی‌ها، ترجیح داده است مجوزها خود را به حالت تعلیق در آورد. برخی نیز به این مسأله معترض شده‌بودند که با وجود انبوهی از فیلترهای سخت‌گیرانه در مشهد و عبور از سدهای سانسور، باز هم امنیت شغلی هنرمندان مشهدی مهیا نشده است. این موضوع زمانی جذاب می‌شود که دو روز پیش، معاون هنری وزارت ارشاد در نشست انجمن کارگردانان تئاتر با موضوع حقوق تئاتر، با پیش کشیدن سیاسی‌بودن مسأله سانسور گفته است: «بحث ممیزی مطرح نیست و به‌همین دلیل هم این جلسات اثربخش نخواهد بود چون اهدافی سیاسی پشت آن است. با این حال امیدواریم اگر انتخابات خوبی برگزار شود، گروه‌هایی که رای آوردند، سهم ما را که در این جلسات شرکت کردیم، بدهند.» در این جلسه البته به‌روز غریب‌پور در پاسخ به سخنان سالاری که هنرمندان را متهم به همدستی با اجرایی‌های سیاسی کرده بود، گفت: «در دوره مصدق حتی یک جمله درباره حمایت از تئاتر نداریم؛ ولی شهرداری می‌توانست با «شعبان بی‌مخ»، زمان اجرای تئاتر نوشین، به‌اتهام توده‌ای بودن، نمایشش را به زیر بکشاند.» توصیف «شعبان بی‌مخ» آقای غریب‌پور، همان توصیفی است که این روزها در مشهد برای حمله کنندگان به تئاترهای مشهد پدید آمده.

البته به‌نظر نمی‌رسد چند نمایش در مشهد توانایی چندانی در شکل‌دهی به شرایط انتخباتی کشور داشته باشد و البته سالاری هم اثبات نکرده است چطور هنرمندان تئاتر نقش سیاسی در فضای انتخاباتی پیش‌رو ایفا می‌کنند. همان‌طور که بعد از ارشاد خراسان رضوی به‌جای مدیریت فضای حاکم‌کردن قانون بر فضای فرهنگی مشهد، تلاش می‌کند خداده‌ار را توجیه کند.